

بررسی نقش سرمایه‌ی اجتماعی بر رفاه و کاهش فقر روستایی (مطالعه‌ی موردی: محدوده‌ی شبکه‌ی آبیاری و زه‌کشی درودزن)

عبدالرسول شیروانیان و بهاء‌الدین نجفی*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۲۷

چکیده

انتظار می‌رود سرمایه‌ی اجتماعی در قالب تشکلهای محلی قادر به کاهش فقر و افزایش رفاه جامعه باشد. بر این اساس، این مطالعه به بررسی نقش سرمایه‌ی اجتماعی بر رفاه و کاهش فقر روستایی در محدوده‌ی شبکه‌ی آبیاری و زه‌کشی درودزن پرداخته است. به‌منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از شاخص‌های فقر، شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی، تابع احتمال فقیر شدن خانوارها در قالب مدل توییت، و تابع رفاه استفاده شد. آمار و اطلاعات مورد نیاز از مصاحبه و تکمیل ۱۰۷ پرسش‌نامه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی دو مرحله‌ی به‌دست آمد. نتایج نشان می‌دهد خانوارها به‌طور میانگین در ۲/۳۵۵ تشکل محلی عضویت دارند. سرمایه‌ی اجتماعی موجود، نقش بسیار کم‌رنگی در کاهش فقر خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه دارد. هم‌چونین، از ایفای نقش موثر در بهبود رفاه این خانوارها ناتوان است. بر این اساس، در فرآیند خصوصی‌سازی بخش دولتی و مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی، در قالب تشکلهای محلی با هدف بهبود وضعیت اقتصادی-اجتماعی روستاییان، بازنگری در ساختار سرمایه‌ی اجتماعی به‌گونه‌ی که اثربخشی تشکلهای محلی در کاهش فقر و بهبود رفاه خانوارهای روستایی را تضمین نماید، ضروری به نظر می‌رسد.

طبقه بندی JEL: Z13, I3, 018

واژه‌های کلیدی: سرمایه‌ی اجتماعی، رفاه، فقر روستایی، شبکه‌ی آبیاری و زه‌کشی درودزن

* به ترتیب عضو هیات علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی فارس و استاد بخش اقتصاد کشاورزی، دانشکده‌ی کشاورزی، دانشگاه شیراز

Email: rasoolshirvanian@gmail.com banajafi@gmail.com

مقدمه

در سیاست واگذاری و مشارکت بخش‌های غیردولتی در ابعاد مختلف اقتصادی، دیر زمانی است که موضوع سرمایه‌ی اجتماعی در قالب تشکلهای غیردولتی مورد توجه کشورهای مختلف قرار گرفته است. از جمله‌ی این موارد می‌توان به مدیریت بهره‌برداری و **نگهداری** از شبکه‌های آبیاری اشاره نمود که عملاً از میانه‌ی دهه‌ی ۸۰ میلادی و عمدتاً به دلیل ناتوانی سازمان‌های دولتی در بهره‌برداری و **نگهداری** از شبکه‌های آبیاری و زه‌کشی مورد توجه خاص قرار گرفته است (نجفی و شیروانیان، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۵). در تحقق این موضوع، اهمیت و جایگاه تشکلهای محلی در بالاترین سطح ممکن قرار دارد (گروتیرت و نارایان، ۲۰۰۴). از نظر تئوری، تشکلهای محلی نقش عمده‌ی در پایداری فرآیند توسعه ایفا می‌نمایند (اوکونمادوا و همکاران، ۲۰۰۷). پژوهش‌های متعدد توسعه‌ی روستایی نشان می‌دهد که تشکلهای اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی را به وجود می‌آورد و دستیابی به اهدافی را که در نبود سرمایه‌ی اجتماعی، غیرممکن و یا پرهزینه است، امکان‌پذیر می‌نماید (احمدی فیروزجایی و همکاران، ۱۳۸۶).

اقتصاددانان اخیراً سرمایه‌ی اجتماعی را نوعی سرمایه می‌دانند که در کنار انواع دیگر سرمایه از جمله سرمایه‌های فیزیکی و انسانی از مفاهیم توضیح دهنده‌ی پدیده‌های اقتصادی است (علمی و همکاران، ۱۳۸۴؛ رنانی و همکاران، ۱۳۸۵؛ رحمانی و همکاران، ۱۳۸۶؛ سعادت، ۱۳۸۶؛ سوری و مهرگان، ۱۳۸۶؛ گروتیرت و نارایان، ۲۰۰۴؛ اوکونمادوا و همکاران، ۲۰۰۷). ادبیات سرمایه‌ی اجتماعی نیز اهمیت این سرمایه را از لحاظ تجربی به اثبات رسانده و بر منافع متعدد و متنوع آن اذعان نموده است (علمی و همکاران، ۱۳۸۴؛ رنانی و همکاران، ۱۳۸۵؛ گروتیرت و نارایان، ۲۰۰۴؛ اوکونمادوا و همکاران، ۲۰۰۷). از جمله‌ی این منافع می‌توان به فعالیت‌های مشترک در مدیریت کارآیی منابع مشترک (کریشنا و همکاران، ۱۹۹۷)، افزایش توانایی روستاییان در سازماندهی و مدیریت منابع (ایسحام و کاهکونن، ۱۹۹۹)، موفقیت در ترویج کشاورزی (رید و سالمن، ۲۰۰۰)، ایجاد امنیت درآمدی (رز، ۱۹۹۵)، افزایش برابری

درآمدی (کاوچی و همکاران، ۱۹۹۷) و بهبود رفاه (کوته و هیلی، ۲۰۰۱) اشاره نمود. دستیابی به این منافع بدان علت است که سرمایه‌ی اجتماعی به مثابه یک پیوند دهنده‌ی اجتماعی، اعضای جامعه را به هم متصل می‌کند و در عین حال همانند یک تسهیل‌گر اجتماعی، مناسبات آنان را تسریع، راحت و کم‌هزینه می‌نماید (رنانی و همکاران، ۱۳۸۵؛ رحمانی و همکاران، ۱۳۸۶؛ سعادت، ۱۳۸۶؛ سوری و مهرگان، ۱۳۸۶؛ حسینی و همکاران، ۱۳۸۷). بدین ترتیب با توجه به مجموعه‌ی موارد فوق می‌توان استنباط نمود که سرمایه‌ی اجتماعی توان لازم را برای کاهش فقر و افزایش رفاه افراد جامعه در سطوح خرد و کلان اجتماع دارد (ناک و کیفیر، ۱۹۹۷؛ گروتیرت و باستلیر، ۲۰۰۲؛ گروتیرت و نارایان، ۲۰۰۴؛ اوکونادوا و همکاران، ۲۰۰۷).

در ایران سیاست واگذاری و مشارکت بخش‌های غیردولتی در راستای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی چندی است که از سیاست‌های مهم در دست اجرا است. در اجرای اصل یادشده، تمرکززدایی به عنوان محور فعالیت‌ها و اقدامات است، و تلاش دولت بر درگیر کردن بخش‌های غیردولتی در اقتصاد است. در حال حاضر به دلیل متولی بودن دولت در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، کانون و محوریت عمده‌ی تمرکززدایی بر ساختارها و عملیات واگذاری سازمان‌های دولتی قرار گرفته است. در این باره آنچه اهمیت دارد، جایگاه و نقش تشکل‌های محلی است. به بیان دیگر، پرسش این است که آیا تشکل‌های محلی توانایی انجام اقدامات لازم در زمینه‌ی افزایش رفاه و کاهش فقر در جامعه را دارند، تا از این ره‌گذر با پذیرش بخشی از فعالیت‌های اقتصادی جامعه برای توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی گام بردارند. با توجه به این که یکی از هدف‌های مهم و اساسی در فرآیند توسعه، افزایش رفاه و کاهش فقر به ویژه در مناطق روستایی است، اگر تشکل‌های محلی تاکنون توانسته باشند گامی مثبت در این زمینه بردارند و رفاه اعضای خود را بهبود و فقر آنان را کاهش دهند، می‌توان از این تشکل‌ها به عنوان زیرساختی مناسب که از نظر تاریخی نیز دارای سابقه‌ی دیرین در جامعه‌ی روستایی هستند، بهره گرفت. در این باره نجفی و شیروانیان (۱۳۸۰) در بررسی امکانات مشارکت

کشاورزان و سازمان‌های محلی در مدیریت شبکه‌های آبیاری و زه‌کشی در محدوده‌ی شبکه‌ی آبیاری و زه‌کشی درودزن که یکی از مدرن‌ترین شبکه‌های آبیاری و زه‌کشی کشور، و نیز بزرگ‌ترین شبکه‌ی آبیاری و زه‌کشی در استان فارس است، برای موفقیت در انتقال مدیریت شبکه‌ی آبیاری و زه‌کشی درودزن به آبران، بر واگذاری نقش نظارتی به شوراهای اسلامی روستایی در فرآیند انتقال تاکید و دخالت دادن شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی را در این فرآیند توصیه نموده اند. این موضوع هرچند زمینه را برای مدیریت مناسب‌تر بهره‌برداری و نگهداری از شبکه‌ی یادشده فراهم می‌نماید، و از این ره‌گذر به طور بالقوه شرایط مساعدتری برای افزایش رفاه و کاهش فقر روستایی حاصل می‌شود، اما شناخت دقیق آن نیازمند بررسی نقش فعلی تشکل‌های محلی در بهبود رفاه و کاهش فقر روستاییان است. این موضوع زیربنای انجام این مطالعه را تشکیل داده و انجام آن را ضروری نموده است.

روش تحقیق

در این مطالعه از معیارهای فقر در بررسی وضعیت فقر، از آمار توصیفی در محاسبه‌ی شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی، از آمار استنباطی برای تعیین نقش سرمایه‌ی اجتماعی در کاهش فقر و بهبود رفاه خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه استفاده شد. برای بررسی وضعیت فقر از معیارهای فقر گروه فوستر و همکاران (۱۹۸۴) که معروف به شاخص فقر گروه *FGT* است، استفاده شد. فرم کلی این مجموعه از شاخص‌های فقر به صورت زیر است:

$$FGT = P(\alpha) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \left(\frac{z - x_i}{z} \right)^\alpha \quad \alpha = 0,1,2 \quad (1)$$

که در آن، n تعداد کل خانوارهای مورد مطالعه، q تعداد خانوارهای فقیر، z خط فقر و x_i مخارج خانوار فقیر i ام نمونه‌ی مورد مطالعه است. در رابطه‌ی فوق، α عامل بیان‌گر

درجه‌ی فقرگریزی است که با توجه به مقدار آن، هر یک از شاخص‌های نسبت سرشمار، نسبت شکاف (عمق) فقر و شدت فقر تعیین می‌شود. بدین ترتیب که اگر مقدار عامل α برابر ۰، ۱ و یا ۲ باشد، به ترتیب شاخص نسبت سرشمار، شاخص نسبت شکاف فقر و شاخص شدت فقر به دست می‌آید.

در به کارگیری شاخص یادشده، گفتنی است که خط فقر مورد استفاده، یک واقعیت خارجی ثابت نیست که دارای ارزش معین باشد، و ضرورتی ندارد که تمامی مطالعات به یک ارزش ریالی واحد برای خط فقر در سال معین دست یابد (خداداد کاشی و همکاران، ۱۳۸۴). مطالعاتی که در ایران به محاسبه‌ی خط فقر نسبی پرداخته است مقدار دو سوم میانگین مخارج خانوارها را در جای خط فقر به کار برده اند (باقری و همکاران، ۱۳۸۳؛ زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۴؛ خداداد کاشی و همکاران، ۱۳۸۴). از سوی دیگر، با توجه به طرز تلقی محقق از فقر و متغیرهای مورد استفاده برای ارزیابی آن، می‌توان مقادیر متفاوتی برای خط فقر در نظر گرفت (خداداد کاشی و همکاران، ۱۳۸۴). بنابراین بر اساس مقادیر خط فقر نسبی مورد استفاده در ایران، و نیز با توجه به متغیرهای مورد استفاده در این مطالعه که مشابه با متغیرهای مورد استفاده در مطالعه‌ی اوکونمادوا و همکاران (۲۰۰۷) است، در این بررسی از خط فقر نسبی برابر با دو سوم میانگین مخارج خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه استفاده شد.

برای تعیین نقش سرمایه‌ی اجتماعی در تغییرات فقر و نیز تغییرات رفاه خانوارها، سرمایه‌ی اجتماعی نوعی سرمایه‌ی در دست‌رس برای خانوارها با هدف کسب درآمد و مصرف در نظر گرفته شد (گروتیرت و نارایان، ۲۰۰۴؛ اوکونمادوا و همکاران، ۲۰۰۷). بدین ترتیب که خانوارها دارای سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی اند و این سرمایه‌ها را برای بیش‌ترین نمودن مطلوبیت با دیگر منابع درآمدی ترکیب می‌نمایند. با فرض این که رفتار مصرفی خانوارها، تابعی از سطح و ترکیب درآمدی آن‌ها است، مصرف خانوار به طور مستقیم تابعی از انواع سرمایه‌های خانوار، دیگر ویژگی‌های خانوار، و ویژگی‌های محیط فعالیت آن‌ها است. بر این اساس مدل رگرسیونی توییت با استفاده از ترکیبی از متغیرهای وابسته‌ی گسسته و پیوسته

برای تعیین اثر متغیرهای توضیحی یادشده بر احتمال فقیر شدن خانوارها به کار گرفته شد (گروتیرت و نارایان، ۲۰۰۴؛ اوکونمادوا و همکاران، ۲۰۰۷).

مدل توبیت برای داده‌هایی به کار می‌رود که دارای بخش‌هایی گسسته و پیوسته است. مدل یادشده مدل رگرسیون است که در آن، دامنه‌ی متغیر وابسته در برخی موارد سانسور می‌شود و فقط قسمتی از دامنه‌ی آن قابل مشاهده است. این دامنه به کمک آستانه‌ی سانسور بیان می‌شود. بدین ترتیب که متغیر وابسته در بالای این آستانه دیدنی است اما در مقادیر کم‌تر از آن دیدنی نیست. بر این اساس، ویژگی اصلی مدل توبیت، وجود آستانه‌ی سانسور با احتمال بالا برای برخی از مقادیر است (آناستاسوپالوس و همکاران، ۲۰۰۷؛ گرین، ۲۰۰۸). در مطالعه‌ی فقر، آستانه‌ی سانسور صفر است. بدین ترتیب که هر یک از خانوارهای مورد مطالعه ممکن است فقیر یا غیرفقیر باشند. برای خانوارهای غیرفقیر، میزان فقر برابر صفر، اما برای خانوارهای فقیر، این میزان برابر با عددی بزرگ‌تر از صفر است که توزیع آن برای مقادیر بیش‌تر از مقدار آستانه‌ی سانسور پیوسته است (فوستر و همکاران، ۱۹۸۴).

از آن‌جا که تخمین مدل توبیت با استفاده از روش کم‌ترین مربعات معمولی، به برآوردهای اریب منجر می‌شود، در این مطالعه برای غلبه بر این موضوع از تخمین بیش‌ترین درست‌نمایی استفاده شد (گرین، ۲۰۰۸؛ وولدریج، ۲۰۰۹). از سوی دیگر در تعیین نکویی برازش مدل توبیت، ضریب تعیین (R^2) معیار قابل اعتمادی نیست. بنابراین از ضریب تعیین مادالا (R_M^2) و نیز ضریب تعیین دهریمز (R_D^2) در تعیین نکویی برازش استفاده گردید (ویال و زیمرمن، ۱۹۹۶؛ آناستاسوپالوس و همکاران، ۲۰۰۷). مقدار ضریب تعیین مادالا، میان صفر تا یک است و از مقایسه‌ی دو مقدار تابع درست‌نمایی به دست می‌آید. بدین ترتیب که مقدار تابع درست‌نمایی مدل توبیت در حالتی که تمام متغیرهای مدل، به جز عرض از مبدا صفر است، با مقدار تابع درست‌نمایی همین مدل در حالتی که تمام این متغیرها در مدل حضور دارد، مقایسه و به عنوان آماره‌ی یادشده به کار رفت (ویال و زیمرمن، ۱۹۹۶؛ آناستاسوپالوس و همکاران، ۲۰۰۷):

$$R_M^2 = 1 - \text{Exp}(-[2(L_A - L_0)/N]) \quad (2)$$

در این رابطه R_M^2 آماره مادالا، L_A و L_0 به ترتیب، مقدار تابع درست‌نمایی مدل توبیت در حالتی که تمام متغیرها در مدل حضور دارد، و مقدار تابع درست‌نمایی همین مدل در حالتی که تمام متغیرهای مدل، به جز عرض از مبدا، صفر باشد، و N تعداد مشاهده‌های نمونه‌ی مورد مطالعه است (ویال و زیمرمن، ۱۹۹۶؛ آناستاسوپالوس و همکاران، ۲۰۰۷).

ضریب تعیین دهریمز، معیار دیگری در نکویی برازش مدل توبیت است و مانند مقدار ضریب تعیین مادالا، مقادیری میان ۰ تا ۱ را در بر می‌گیرد. این معیار با استفاده از توان دوم ضریب هم‌بستگی میان مقادیر مشاهده شده (واقعی) و مقادیر پیش‌بینی شده‌ی متغیر وابسته به‌دست آمد (ویال و زیمرمن، ۱۹۹۶؛ دماریس، ۲۰۰۴؛ وولدریج، ۲۰۰۹):

$$R_D^2 = [\text{Corr}(\hat{Y}_i, Y_i)]^2 \quad \text{for} \quad Y_i > 0 \quad (3)$$

در این رابطه R_D^2 آماره‌ی دهریمز، \hat{Y}_i و Y_i به ترتیب، مقادیر پیش‌بینی شده و مقادیر مشاهده شده‌ی متغیر وابسته، و $\text{Corr}(\hat{Y}_i, Y_i)$ بیان‌گر هم‌بستگی میان \hat{Y}_i و Y_i است. توجه به این نکته ضروری است که در این رابطه، فقط آن بخش از مقادیر مشاهده شده‌ی متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود که مقادیری بیش‌تر از صفر را داشته باشد (ویال و زیمرمن، ۱۹۹۶).

فرم کلی مدل توبیت مورد استفاده در این مطالعه به صورت زیر است (گروتیرت و نارایان، ۲۰۰۴؛ اوکونمادوا و همکاران، ۲۰۰۷):

$$q_i \begin{cases} = P_1 = f(SC, HC, PC, HCH, ECH) + e_i & \text{if } P_1 > P_1^* \\ = 0 = f(SC, HC, PC, HCH, ECH) + e_i & \text{if } P_1 \leq P_1^* \end{cases} \quad (۴)$$

$i = 1, 2, 3, \dots, n$

که در آن q_i متغیر وابسته است. این متغیر در مواردی که خانوارها غیرفقیر باشند، به صورت گسسته و در مواردی که خانوارها فقیر باشند، به صورت پیوسته است. P_1 نسبت شکاف یا عمق فقر هر خانوار است که با استفاده از $(z - x_i)/z$ به دست آمد (متغیرهای این رابطه قبلاً تعریف شده است). P_1^* عمق فقر در سطح برابری خط فقر با مخارج خانوارها است که مقدار آن برابر صفر است. SC سرمایه‌ی اجتماعی است که در ادامه به‌طور مفصل تشریح خواهد شد. HC سرمایه‌ی انسانی (تعداد سال‌های آموزش رسمی سرپرست خانوار)، PC سرمایه‌ی فیزیکی خانوار (زمین)، HCH برداری از ویژگی‌های خانوار شامل وضعیت تاهل سرپرست خانوار ($D = 1$ اگر متاهل باشد، صفر در سایر موارد)، بعد خانوار (تعداد واقعی افراد در خانواده)، سن سرپرست خانوار (سال)، مربع سن سرپرست خانوار برای نشان دادن چرخه‌ی رفاهی خانوار، و سابقه‌ی کشاورزی سرپرست خانوار (سال)، ECH برداری از ویژگی‌های محیطی روستاییان در قالب متغیرهای مجازی بیان‌گر منطقه‌ی مورد مطالعه و e_i جمله‌ی خطا است (گروتیرت و نارایان، ۲۰۰۴؛ اوکونمادوا و همکاران، ۲۰۰۷).

رفاه عبارت است از قدرت خرید و توانایی در کسب تسهیلات و امکانات زندگی. برای کمی‌سازی و محاسبه‌پذیر شدن، رفاه مترادف با بهره‌مندی یا مطلوبیت گرفته می‌شود، و در اندازه‌گیری آن از معیار درآمد یا مخارج استفاده می‌شود (فیتزپتریک، ۱۳۸۱؛ مخرجی و بنسون، ۲۰۰۳). در سطح خانوار، زندگی جمعی، صرفه‌جویی مقیاس را در پی دارد، و در صورت وجود کالاهای عمومی در مصرف خانوار، کل افراد خانواده بدون پرداخت اضافی، از مصرف چنین کالاهایی بهره‌مند می‌گردند. بر این اساس، استفاده از درآمد به عنوان شاخص مناسب برای رفاه، با چالش همراه است (خلجی و همکاران، ۱۳۸۶). در مناطق روستایی، منبع تامین

درآمد خانوارها، غالباً مبتنی بر فعالیتهای کشاورزی است. در این فعالیتها، کسب درآمد عمدتاً پدیده‌ی نامنظم و پرنوسان است. کشاورزان بخش عمده‌یی از درآمد را در فصل‌های برداشت محصول و بخش ناچیزی از آن را در فصل‌های دیگر سال به دست می‌آورند. بر این اساس، در مناطق روستایی استفاده از درآمد به عنوان شاخص مناسب برای رفاه، با چالش بیش‌تری همراه است. در همین حال، مخارج خانوار در مقایسه با درآمد از چوین نوسانات و ناپایداری‌هایی برخوردار نیست و ثبات بیش‌تری دارد. این موضوع سبب گردیده است که مخارج خانوار همواره معیار مناسب‌تری برای بررسی رفاه خانوار، به‌ویژه در مناطق روستایی باشد (موخرچی و بنسون، ۲۰۰۳).

با توجه به مجموعه‌ی موارد فوق، برای تعیین نقش سرمایه‌ی اجتماعی در تغییرات رفاه خانوارها، فرم کلی تابع عوامل موثر بر رفاه خانوار به صورت زیر به کار رفت (گروتیرت و نارایان، ۲۰۰۴):

$$\ln E_i = f(SC, HC, PC, HCH, ECH) + e_i \quad (5)$$

که در آن E_i مخارج خانوار i ام است. متغیرهای دیگر قبلاً تعریف شده است. این تابع با استفاده از روش کم‌ترین مربعات معمولی (OLS) برآورد گردید (گروتیرت و نارایان، ۲۰۰۴). در این مطالعه، معیارهای کمی برای اندازه‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی، بر سرمایه‌ی اجتماعی در قالب تشکلهای تمرکز دارد. از آنجا که اثربخشی سرمایه‌ی اجتماعی در قالب تشکلهای محلی، به برخی جنبه‌های ساختاری تشکلهای، اعضا و کارکردهای این تشکلهای بستگی دارد، شش جنبه از جنبه‌های تشکلهای محلی شامل شاخص تراکم عضویت (DMI)، شاخص ناهمگنی (HI)، شاخص حضور در جلسات (MAI)، شاخص تصمیم‌گیری (DMI) یا شاخص مشارکت فعال (API)، شاخص حق عضویت (MDI)، و شاخص گرایش اجتماعی (COI) مورد توجه قرار گرفت. پس از آن، با ترکیب این شاخص‌ها، شاخص‌های متقاطع

(MI) و تجمعی (AI) سرمایه‌ی اجتماعی به دست آمد (گروتیرت و نارایان، ۲۰۰۴؛ اوکونمادوا و همکاران، ۲۰۰۷).

گفتنی است که ادبیات سرمایه‌ی اجتماعی هنوز به مرحله‌ی از پیشرفت نرسیده است که به‌طور نظری بتواند به انتخاب یک مدل از میان مدل‌های ارائه شده برای تعیین نقش سرمایه‌ی اجتماعی در تغییرات فقر و رفاه بپردازد. بر این اساس در این مطالعه، مدل‌های مختلف موجود در این زمینه شامل مدل بدون شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی، مدل دارای شاخص تجمعی سرمایه‌ی اجتماعی، مدل دارای شاخص مقاطع سرمایه‌ی اجتماعی، و در نهایت مدل دارای سایر شاخص‌های تعریف شده در فوق، تخمین و برآورد گردید (گروتیرت و نارایان، ۲۰۰۴).

آمار و اطلاعات مورد نیاز

آمار و اطلاعات مورد نیاز، با استفاده از دو شیوه‌ی اسنادی و پیمایشی جمع‌آوری شد. در شیوه‌ی اسنادی، اطلاعات مورد نیاز از راه مراجعه به اداره‌ی آبیاری، مدیریت جهادکشاورزی و اداره‌ی تعاون روستایی شهرستان مرودشت به دست آمد. در شیوه‌ی پیمایشی، آمار و اطلاعات مورد نیاز از راه مصاحبه و تکمیل پرسش‌نامه از بهره‌برداران واقع در محدوده‌ی شبکه‌ی آبیاری و زه‌کشی درودزن کسب شد. برای تکمیل پرسش‌نامه از روش نمونه‌گیری تصادفی دو مرحله‌ی استفاده گردید. در این روش برای تعیین حجم نمونه‌ی مورد مطالعه از رابطه‌ی زیر استفاده شد (کالتون ۱۹۹۰):

$$n = \frac{(N * S^2)}{(N - 1) * D + S^2} \quad (6)$$

در این رابطه، n حجم نمونه‌ی مورد مطالعه، N حجم جامعه‌ی مورد مطالعه، S^2 واریانس میزان آب دریافتی از شبکه که از رابطه‌ی $S^2 = \left(\frac{\text{Range}}{4}\right)^2$ محاسبه گردید، است. هم‌چنین،

دامنه‌ی خطا ۱۰٪ ($B = 0.1$) در نظر گرفته شد و بر اساس آن، با استفاده از رابطه‌ی

$$D = \frac{B^2}{4} \text{ مقدار } D \text{ به دست آمد (کالتون ۱۹۹۰).}$$

گفتنی است که با عنایت به این که هر یک از بهره‌برداران واقع در محدوده‌ی شبکه‌ی آبیاری و زه‌کشی درودزن می‌توانند در شکل‌های مختلف محلی عضویت داشته باشند، بنابراین، امکان تهیه‌ی لیستی کامل از بهره‌برداران بر مبنای میزان سهام آنان در شکل‌های محلی، برای تعیین حجم نمونه وجود نداشت. از سوی دیگر، وجه اشتراک همه‌ی بهره‌برداران واقع در محدوده‌ی شبکه‌ی آبیاری و زه‌کشی درودزن، دریافت آب از این شبکه است. اطلاعات مربوط به میزان دریافت آب هر یک از این بهره‌برداران در اداره‌ی آبیاری شهرستان مرودشت موجود است و فهرست کامل بهره‌برداران با توجه به میزان آب دریافتی آنان وجود دارد. بنابراین در این مطالعه واریانس میزان آب دریافتی از شبکه برای تعیین حجم نمونه به کار گرفته شد.

بدین ترتیب با استفاده از روش نمونه‌گیری یادشده در مجموع ۱۶ روستا از ۸۱ روستای تحت پوشش شبکه‌ی آبیاری و زه‌کشی درودزن به‌طور کاملاً تصادفی انتخاب شد. در ادامه در روستاهای منتخب، نمونه‌ی شامل ۱۰۷ بهره‌بردار به‌طور کاملاً تصادفی تعیین، و با هر یک از آن‌ها برای تکمیل پرسش‌نامه مصاحبه شد.

نتایج و بحث

الف) وضعیت شکل‌های محلی موجود در شبکه‌ی آبیاری و زه‌کشی درودزن
شکل‌های محلی فعال موجود در محدوده‌ی شبکه‌ی آبیاری و زه‌کشی درودزن شامل شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی، شرکت‌های تعاونی روستایی، شوراهای اسلامی روستاها و گروه‌های آب‌بر است. شرکت‌های تعاونی روستایی در حقیقت، شرکت‌های تعاونی روستایی تولید و مصرف است که زیر نظر سازمان تعاون روستایی فعالیت می‌نماید. در محدوده‌ی شبکه‌ی یادشده ۶ شرکت تعاونی روستایی وجود دارد که کل روستاهای موجود در این

محدوده (۸۱ روستا) را تحت پوشش قرار داده است. شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در حقیقت شرکت‌های تعاونی تولیدی و توزیعی، یا به بیان دیگر، شرکت‌های تعاونی چندمنظوره است که زیر نظر مدیریت نظام بهره‌برداری کشاورزی فعالیت می‌نماید. در محدوده‌ی شبکه‌ی آبیاری و زه‌کشی درودزن ۴ شرکت تعاونی تولید کشاورزی وجود دارد که در مجموع ۲۰ روستا را تحت پوشش قرار داده است. از این تعداد روستا، ۱۰ روستای آن از روستاهای تحت پوشش شبکه‌ی یادشده است. بر این اساس این ۴ شرکت در مجموع ۱۲/۳۵٪ روستاهای تحت پوشش شبکه‌ی آبیاری و زه‌کشی درودزن را در حیطه‌ی عمل خود قرار داده است. از سوی دیگر، هر یک از این روستاهای موجود در شبکه‌ی آبیاری و زه‌کشی درودزن دارای یک شورای اسلامی مختص به خود است، و بر این اساس در مجموع ۸۱ شورای اسلامی در محدوده‌ی این شبکه وجود دارد. هم‌چنین با توجه به این که در منطقه‌ی مورد مطالعه، کشاورزان آب کشاورزی مورد نیاز را اغلب از شبکه‌ی آبیاری و زه‌کشی درودزن تامین می‌نمایند، در هر روستا کشاورزان بسته به موقعیت قرار گرفتن زمین‌های کشاورزی (همسایگی زمین‌ها)، گروه‌های آب‌بران تشکیل داده اند و از این راه از شبکه‌ی آبیاری و زه‌کشی درودزن آب کشاورزی می‌گیرند. تعداد این گروه‌ها به دلیل پراکنده بودن زمین‌ها بالغ بر ۱۱۰ گروه آب‌بر است. گفتنی است که از سال ۱۳۸۳ اقدامات لازم در زمینه‌ی تشکیل ۷ تعاونی آب‌بران متشکل از گروه‌های آب‌بران موجود در محدوده‌ی این شبکه آغاز گردیده، اما تاکنون دریافت آب از طریق این تعاونی‌ها عملیاتی نشده است.

ب) وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی در میان خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه

جدول (۱) به بررسی شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی در میان خانوارهای مورد مطالعه در محدوده‌ی شبکه‌ی آبیاری و زه‌کشی درودزن پرداخته است. بر اساس اطلاعات این جدول مقدار شاخص تراکم عضویت بیان‌گر عضویت خانوارهای مورد مطالعه کم‌ترین در ۲ و بیش‌ترین در ۴ شکل محلی و به‌طور میانگین در ۲/۳۵۵ شکل محلی است. این موضوع

عمدتاً ناشی از محل قرار گرفتن و شرایط خاص تشکل‌های محلی است. بدین ترتیب که هر یک از روستاهای تحت پوشش شبکه‌ی مورد مطالعه دارای گروه‌های آب‌بران است و کشاورزان برای دریافت آب از شبکه باید از راه این گروه‌ها اقدام نمایند. بنابراین، همه‌ی خانوارهای مورد مطالعه در این گروه‌ها عضویت دارند. از طرف دیگر شرکت‌های تعاونی روستایی همه‌ی روستاهای موجود در محدوده‌ی شبکه‌ی آبیاری و زه‌کشی درودزن را تحت پوشش قرار داده است و خانوارها برای دریافت اجناس کوبنی و در مواردی نیازهای دیگر خود نیاز به عضویت در این شرکت تعاونی‌ها دارند. بر این اساس همه‌ی خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه در این دو تشکل محلی عضویت دارند. اما تعداد شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی در محدوده‌ی این شبکه معدود است و در مناطق جغرافیایی خاصی قرار گرفته است. به طوری که صرفاً خانوارهای واقع در محدوده‌ی روستاهای تحت پوشش این نوع شرکت‌های تعاونی می‌توانند در آن عضویت داشته باشند. بر این اساس عضویت خانوارها در این شرکت تعاونی‌ها با محدودیت همراه است. از طرف دیگر، با توجه به این که تعداد اعضای شوراهای اسلامی معدود است، همه‌ی خانوارها نمی‌توانند در آن عضویت داشته باشند. بنابراین، عضویت خانوارها در این شوراها نیز محدود می‌گردد. مجموعه‌ی این موارد ترکیب بیان شده در جدول (۱) را برای تراکم عضویت خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه در تشکل‌های محلی در پی داشته است.

بررسی وضعیت شاخص ناهمگنی سرمایه‌ی اجتماعی در میان خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه بیانگر آن است که همه خانوارها معتقد به بودن ناهمگنی در تشکل‌های محلی اند (جدول (۱))، به طوری که کم‌ترین مقدار شاخص برابر $19/643\%$ است. علاوه بر آن برخی از خانوارها معتقد به بودن ناهمگنی کامل در تشکل‌های محلی اند به طوری که این شاخص توانسته است بیش‌ترین مقدار ممکن (100%) را نیز تجربه نماید. در عین حال میانگین مقدار این شاخص در میان همه‌ی بهره‌برداران برابر $56/687\%$ است، که بیانگر ناهمگنی بیش‌تر از سطح متوسط در میان اعضای تشکل‌های محلی است. این موضوع را می‌توان با توجه به

اطلاعات جدول (۲) که بیان‌گر پاره‌یی از ویژگی‌های خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه است، تشریح نمود. بدین ترتیب که بر اساس اطلاعات این جدول خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه در مواردی از قبیل میزان زمین (از ۲ تا ۵۰ هکتار)، میزان تحصیلات سرپرست خانوار (از بی‌سواد تا کاردانی)، سن سرپرست خانوار (از ۲۲ تا ۷۵ سال)، سابقه‌ی کشاورزی سرپرست خانوار (از ۱ تا ۶۵ سال)، وضعیت تاهل سرپرست خانوار (مجرد تا متأهل)، بعد خانوار (۱ تا ۱۳ نفر) و وضعیت فقر خانوار (فقر تا غیرفقر) با یک‌دیگر اختلاف دارند. با توجه به این اختلافات در میان خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه، می‌توان ناهمگنی بالاتر از سطح متوسط را در شکل‌های محلی موجود انتظار داشت.

جدول (۱). وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی در میان خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه بر اساس

شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی (درصد)

نوع شاخص	کم‌ترین	بیش‌ترین	میانگین	انحراف معیار
شاخص تراکم عضویت	۲/۰۰۰	۴/۰۰۰	۲/۳۵۵	۰/۵۳۸
شاخص ناهمگنی	۱۹/۶۴۳	۱۰۰/۰۰۰	۵۶/۶۸۷	۱۳/۵۱۷
شاخص حضور در جلسات	۲۰/۰۰۰	۹۳/۳۳۳	۶۲/۳۰۵	۱۱/۲۸۳
شاخص تصمیم‌گیری	۳۰/۰۰۰	۸۶/۶۶۷	۴۳/۵۳۶	۱۲/۰۵۲
شاخص حق عضویت	۰/۰۰۰	۷۵/۰۰۰	۳۳/۱۷۸	۱۷/۱۵۵
شاخص گرایش اجتماعی	۰/۰۰۰	۷۵/۰۰۰	۴۵/۵۶۱	۲۲/۰۶۸

ماخذ: یافته‌های تحقیق

جدول (۲). برخی ویژگی‌های خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه

مورد	کم‌ترین	بیش‌ترین	میانگین	انحراف معیار
میزان زمین (هکتار)	۲/۰۰۰	۵۰/۰۰۰	۹/۷۶۳	۷/۷۶۱
میزان تحصیلات سرپرست خانوار (سال)	۰/۰۰۰	۱۴/۰۰۰	۴/۶۶۴	۳/۹۵۶
سن سرپرست خانوار (سال)	۲۲/۰۰۰	۷۵/۰۰۰	۴۷/۰۰۹	۱۲/۹۸۶
سابقه‌ی کشاورزی سرپرست خانوار (سال)	۱/۰۰۰	۶۵/۰۰۰	۲۹/۰۵۶	۱۵/۹۰۹
تعداد متاهلان (درصد)	---	---	۹۵/۳۲۷	---
بعد خانوار (نفر)	۱/۰۰۰	۱۳/۰۰۰	۷/۰۵۶	۲/۸۷۰
تعداد فقیران (درصد)	---	---	۴۴/۸۶۰	---

ماخذ: یافته‌های تحقیق

بررسی وضعیت شاخص حضور در جلسات تشکل‌های محلی توسط خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه نشان دهنده‌ی آن است که همه‌ی خانوارها در جلسه‌های تشکل‌های محلی حضور یافته و از این راه علاقه‌مندی خود را به مشارکت در این تشکل‌ها نشان داده اند، به طوری که کم‌ترین مقدار این شاخص برابر ۲۰٪ و بیش‌ترین آن حدود ۹۳/۳۳۳٪ است. از طرف دیگر با توجه به مقدار بیش‌ترین این شاخص می‌توان دریافت که خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه هیچ‌گاه در همه‌ی جلسه‌های تشکل‌های محلی حضور نداشته اند. با این همه، میانگین مقدار شاخص یادشده برابر ۶۲/۳۰۵٪ بود، که بیان‌گر حضور اعضا در بیش از نیمی از جلسه‌های تشکل‌های محلی است.

بررسی وضعیت شاخص تصمیم‌گیری خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه در تشکل‌های محلی حاکی از آن است که خانوارها در بهترین شرایط توانسته اند در ۷۵٪ موارد در تصمیم‌گیری‌های تشکل‌های محلی ایفای نقش نمایند و از این طریق مشارکت فعال خود را در این تشکل‌ها نشان دهند. کم‌ترین سطح مشارکت فعال خانوارها ۳۰٪ است. این موضوع بیان‌گر آن است که در صورت حضور خانوارها در جلسه‌های تشکل‌های محلی، این حضور صرفاً جنبه

فیزیکی نداشته است، و افراد خانوارها در تصمیم‌گیری‌ها اظهار نظر و ابراز عقیده نموده و از این راه مشارکت موثری در تشکل‌ها نشان می‌دهند. در عین حال با توجه به میانگین شاخص تصمیم‌گیری (۰/۴۳/۵۳۶) می‌توان چنین استنباط نمود که هرچند خانوارها مایل به مشارکت موثر در تشکل‌های محلی اند اما زمینه‌های لازم برای عملیاتی نمودن آن چندان فراهم نیست. این موضوع عمدتاً به دلیل وجود اصل خودگردانی مالی در برخی از تشکل‌های محلی از جمله شرکت‌های تعاونی روستایی و شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی است که همگی فعالیت‌های آن‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در این تشکل‌ها در نتیجه‌ی اهتمام به اصل خودگردانی مالی، کسب هر چه بیش‌تر سود بر منافع غیرمادی خانوارهای عضو ترجیح داده می‌شود. بدین ترتیب این موضوع به صورت مانعی در مسیر مشارکت فعال خانوارها در این تشکل‌ها عمل می‌نماید. در مورد شوراهای اسلامی نیز خانوارها صرفاً در مرحله‌ی انتخاب اعضا، قادر به اظهار نظر و مشارکت فعال اند و در امور دیگر این شوراها مشارکت فعال خانوارها با محدودیت همراه است.

با توجه به این که وضعیت پرداخت حق عضویت نمادی از منافع متقابل تشکل برای خانوارهای عضو است، بررسی وضعیت شاخص حق عضویت خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه بیان‌گر آن است که تشکل‌های محلی هیچ‌گاه نتوانسته است همگی منافع خویش را به اعضا ارایه نماید، به طوری که در بهترین وضعیت، بیش‌ترین میزان شاخص حق عضویت برابر ۷۵٪ است. در مواردی نیز تشکل‌های محلی نتوانسته است هیچ‌گونه فایده‌ی برای اعضا به همراه داشته باشد. به طوری که برخی از اعضا هیچ‌گونه کمکی به این تشکل‌ها ننموده اند. مجموعه‌ی این موارد سبب شده است که مقدار این شاخص به‌طور متوسط برابر با ۳۳/۱۷۸٪ باشد. بر این اساس و با توجه به رابطه‌ی متقابل منافع تشکل‌های محلی و اعضا می‌توان چنین استنباط نمود که تشکل‌های محلی منافع چندانی برای اعضای خود نداشته اند و در نتیجه اعضا رغبت چندانی به مساعدت به این تشکل‌ها در قالب حق عضویت نداشته اند.

بررسی شاخص گرایش اجتماعی تشکل‌های محلی از دید خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه نشان دهنده‌ی آن است که خانوارها دیدگاه‌های متفاوتی در مورد تشکل‌های محلی دارند. با توجه به کم‌ترین مقدار شاخص گرایش اجتماعی (مقدار صفر) می‌توان دریافت که برخی از خانوارها تشکل‌های محلی را صرفاً تشکل‌های دولتی و تحمیل شده بر خود می‌دانند. از سوی دیگر، با توجه به بیش‌ترین مقدار شاخص که برابر ۷۵٪ است می‌توان دریافت که هیچ‌یک از خانوارها، مجموعه‌ی تشکل‌های محلی موجود در محدوده‌ی شبکه‌ی آبیاری و زه‌کشی درودزن را به طور کامل برخاسته از بطن جامعه‌ی روستایی نمی‌دانند. علاوه بر آن، بر اساس میانگین شاخص گرایش اجتماعی (۰/۴۵/۵۶۱) می‌توان چنین بیان نمود که به باور خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه، تشکل‌های محلی موجود در محدوده‌ی شبکه‌ی یادشده عمدتاً بر آن‌ها تحمیل شده است، و چندان ریشه در بطن جامعه‌ی روستایی ندارد. در نتیجه کارکردهای تشکل‌های محلی نمی‌تواند چندان اثربخش باشد.

با توجه به مجموعه‌ی موارد فوق می‌توان چنین استنباط نمود که در منطقه‌ی مورد مطالعه سرمایه‌ی اجتماعی در قالب تشکل‌های محلی اثربخشی چندانی در زمینه‌ی کاهش فقر خانوارها و بهبود رفاه آنان ندارد. در ادامه، این موضوع با استفاده از برآورد تابع عوامل موثر بر احتمال فقیر شدن و نیز برآورد تابع عوامل موثر بر رفاه خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه، مورد توجه قرار گرفته است.

ج) نقش سرمایه‌ی اجتماعی در کاهش فقر خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه
جدول (۳) به ارایه‌ی نتایج برآورد چهار مدل شامل مدل بدون شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی، مدل دارای شاخص تجمعی سرمایه‌ی اجتماعی، مدل دارای شاخص متقاطع سرمایه‌ی اجتماعی، و مدل دارای دیگر شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی، در قالب تاثیرهای نهایی برای تعیین نقش سرمایه‌ی اجتماعی بر تغییرات فقر خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه پرداخته است. قبل از تعیین نقش سرمایه‌ی اجتماعی، با توجه به برآورد این چهار مدل به بیان

مجمعل نقش دیگر متغیرهای لحاظ شده در این مدل‌ها بر تغییرات فقر خانوارها مبادرت می‌شود. بر اساس اطلاعات این جدول، ضریب‌ها سرمایه‌های انسانی و فیزیکی دارای علامتی موافق انتظار بوده به طوری که با افزایش این سرمایه‌ها، می‌توان کاهش فقر خانوارها را انتظار داشت. به بیان دیگر این دو نوع سرمایه، توان لازم برای کاهش فقر خانوارها را دارد اما با توجه به معنی دار نبودن این ضریب‌ها از نظر آماری، سرمایه‌های یادشده در عمل نتوانسته است تاثیر معنی‌داری بگذارد. از میان متغیرهای بیان‌گر ویژگی‌های خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه، متغیر سن و نیز متغیر مربع سن سرپرست خانوار که بیان‌گر سیکل رفاهی خانوار است، تاثیر معنی‌داری بر فقر خانوارها دارد. بدین ترتیب که در خانوارهای دارای سرپرست خانوار مسن‌تر، فقر کاهش می‌یابد اما با افزایش سیکل رفاهی در خانوارها، سطوح بالاتری از فقر در خانوارها تجربه می‌گردد.

از نظر ویژگی‌های محیطی نتایج نشان‌دهنده‌ی آن است که موقعیت جغرافیایی استقرار خانوارها، عاملی موثر بر تغییرات فقر آنها است. به طوری که هر یک از مناطق مورد مطالعه، تاثیرات آماری معنی‌داری بر فقر خانوارها داشته و تاثیر همه‌ی این مناطق بر فقر هم‌سو و به صورت عاملی برای کاهش فقر خانوارها بوده است. میزان این اثربخشی در مناطق مختلف با یکدیگر متفاوت است، به طوری که قرار گرفتن در محدوده‌ی آبراه چپ در شبکه‌ی آبیاری و زه‌کشی درودزن بیش‌ترین تاثیر را بر کاهش فقر خانوارها داشت. پس از آن به ترتیب، واقع شدن خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه در محدوده‌ی ادامه‌ی آبراه چپ، اصلی و در نهایت آبراه هامون قرار دارد. این موضوع با استفاده از وضعیت دریافت آب توسط بهره‌برداران واقع در محدوده‌ی این آبراه‌ها قابل توضیح است. در آبراه چپ، خانوارها مشکلی در دریافت آب از شبکه ندارند و بر این اساس قرار گرفتن در این محدوده عاملی برای کاهش فقر آنها است. بهره‌بردارانی که در ادامه‌ی آبراه چپ قرار گرفته اند در دریافت آب از شبکه با مشکلات عمده و اساسی مواجه اند و بر این اساس، با روی آوردن به فعالیت‌های دیگر و قرار دادن دریافت آب از شبکه در حاشیه، از پی‌آمدهای نامطلوب دریافت آب کاسته اند. این

بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر رفاه و کاهش فقر... ۴۳

موضوع سبب کاهش فقر خانوارهای واقع در محدوده‌ی ادامه‌ی آبراه چپ گردیده است. بهره‌برداران قرار گرفته در محدوده‌ی آبراه‌های اصلی و هامون در برخی از روستاها با مشکلاتی در دریافت آب مواجه اند. این موضوع موجب کم‌تر شدن تاثیر این مناطق در کاهش فقر خانوارها نسبت به سایر مناطق گردیده است.

جدول (۳). اثرات نهایی عوامل موثر بر احتمال فقیر شدن خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه

متغیر	مدل I	مدل II	مدل III	مدل IV
مقدار ثابت	۱/۸۰۴*** (۳/۲۵۵) ^(۱)	۱/۹۰۲*** (۳/۲۱۵)	۱/۷۰۲*** (۲/۸۷۱)	۱/۷۳۴*** (۲/۵۶۷)
شاخص تجمعی سرمایه‌ی اجتماعی	---	-۰/۰۰۰ (-۰/۴۶۱)	---	---
شاخص مقاطع سرمایه‌ی اجتماعی	---	---	۰/۰۰۰ (۰/۴۷۶)	---
شاخص تراکم عضویت	---	---	---	۰/۰۲۱ (۰/۲۳۱)
شاخص ناهمگنی	---	---	---	۰/۰۰۲ (۰/۸۰۷)
شاخص حضور در جلسات	---	---	---	-۰/۰۰۶** (-۱/۹۲۳)
شاخص تصمیم‌گیری	---	---	---	۰/۰۰۲ (۰/۴۶۷)
شاخص حق عضویت	---	---	---	-۰/۰۰۱ (-۰/۶۵۲)
شاخص گرایش اجتماعی	---	---	---	۰/۰۰۰ (۰/۱۰۵)
سرمایه‌ی انسانی	-۰/۰۰۰ ^(۲) (-۰/۰۱۶)	۰/۰۰۰ (۰/۰۸۶)	-۰/۰۰۰ (-۰/۰۳۱)	-۰/۰۰۱ (-۰/۱۶۸)

ادامه جدول (۳)

متغیر	مدل I	مدل II	مدل III	مدل IV
سرمایه‌ی فیزیکی	-۰/۰۰۰ (-۰/۱۵۶)	-۰/۰۰۰ (-۰/۱۱۲)	-۰/۰۰۰ (-۰/۱۰۴)	۰/۰۰۰ (۰/۱۴۲)
سن سرپرست	-۰/۰۷۰*** (-۲/۶۰۱)	-۰/۰۷۱*** (-۲/۶۴۴)	-۰/۰۶۵** (-۲/۳۱۱)	-۰/۰۵۹** (-۲/۰۸۱)
مربع سن سرپرست	۰/۰۰۰*** (۲/۴۸۰)	۰/۰۰۰*** (۲/۵۲۳)	۰/۰۰۰** (۲/۲۹۴)	۰/۰۰۰** (۲/۲۶۶)
سابقه‌ی کشاورزی سرپرست	۰/۰۰۴ (۰/۵۵۱)	۰/۰۰۴ (۰/۶۰۲)	۰/۰۰۳ (۰/۳۹۳)	-۰/۰۰۳ (-۰/۴۵۳)
وضعیت تاهل سرپرست (متاهل=۱، سایر=۰)	۰/۲۸۲ (۱/۱۳۴)	۰/۲۷۶ (۱/۱۲۳)	۰/۲۴۶ (۰/۹۴۹)	۰/۲۴۸ (۰/۹۶۲)
بعد خانوار	۰/۰۰۷ (۰/۴۶۸)	۰/۰۰۸ (۰/۵۴۸)	۰/۰۰۶ (۰/۴۱۴)	۰/۰۰۹ (۰/۶۶۸)
آبراه اصلی	-۰/۳۱۸** (-۲/۲۵۸)	-۰/۳۴۱** (-۲/۳۱۴)	-۰/۲۹۹** (-۲/۰۳۳)	-۰/۲۴۸* (-۱/۶۴۲)
آبراه سمت چپ	-۰/۵۹۸** (-۱/۹۸۹)	-۰/۶۳۴** (-۲/۱۰۰)	-۰/۵۹۲** (-۱/۹۴۵)	-۰/۵۵۶* (-۱/۶۹۳)
ادامه کانال سمت چپ	-۰/۴۶۱*** (-۲/۴۳۸)	-۰/۴۷۲*** (-۲/۴۷۷)	-۰/۴۵۴*** (-۲/۴۰۰)	-۰/۴۲۷** (-۲/۱۹۷)
آبراه هامون	-۰/۲۷۰** (-۲/۰۰۰)	-۰/۲۸۰** (-۲/۰۷۱)	-۰/۲۶۶** (-۱/۹۵۳)	-۰/۱۸۴ (-۱/۲۸۰)
تعداد مشاهده‌ها	۱۰۷	۱۰۷	۱۰۷	۱۰۷
نسبت درست‌نمایی (Log likelihood)	۲۸/۱۹۵	۲۸/۲۹۸	۲۸/۳۰۹	۳۱/۱۷۶
R_M^2	۰/۴۱۰	۰/۴۱۱	۰/۴۱۱	۰/۴۴۲
R_D^2	۰/۶۱۷	۰/۶۱۴	۰/۶۲۱	۰/۶۶۱

ماخذ: یافته‌های تحقیق.

*** و ** و * به ترتیب معنی‌دار در سطح کم‌تر از ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪. (۱) اعداد داخل پرانتز آماره‌ی t است.

(۲) همه اعداد جدول تا سه رقم اعشار آورده شده است، به همین دلیل برخی از اعداد به صورت ۰/۰۰۰ درآمده است که از نظر مقداری با صفر متفاوت است.

با توجه به مدل دوم و سوم برآورد شده، سرمایه‌ی اجتماعی در قالب شاخص‌های تجمعی و متقاطع نتوانسته است تاثیر معنی‌داری بر فقر خانوارها داشته باشد. اما بر اساس مدل چهارم که به صورت مفصل‌تر به بررسی تاثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر تغییرات فقر خانوارها پرداخته، سرمایه‌ی اجتماعی در قالب حضور در جلسات که بیان‌گر مشارکت خانوارها در تشکل‌های محلی است، نتوانسته است نقش موثری در کاهش فقر خانوارها ایفا نماید. بدین ترتیب که با افزایش ۱ درصدی شاخص حضور در جلسات تشکل‌های محلی، فقر خانوارها به میزان 0.006% کاهش یافت. از طرف دیگر با توجه به این که کم‌ترین، میانگین و بیش‌ترین مقدار فعلی شاخص حضور در جلسات تشکل‌های محلی به ترتیب برابر $20/000$ ، $62/305$ و $93/333\%$ است، می‌توان با در نظر گرفتن الگوی درون گروهی، میزان مشارکت خانوارها را بیش‌ترین به میزان $73/333\%$ و میانگین به میزان $31/033\%$ بهبود بخشید. با توجه به این موضوع می‌توان با استفاده از سرمایه‌ی اجتماعی، فقر خانوارها را بیش‌ترین به میزان $0/440\%$ و میانگین به میزان $0/186\%$ کاهش داد. این موضوع بیان‌گر آن است که سرمایه‌ی اجتماعی با وضعیت فعلی شاخص‌های آن، نمی‌تواند در کاهش فقر خانوارها چندان موثر باشد. بر این اساس اهتمام هر چه بیش‌تر به شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی و تلاش برای بهبود آن‌ها از مواردی است که می‌تواند نقش سرمایه‌ی اجتماعی را در کاهش فقر خانوارها، پررنگ‌تر نماید.

د) نقش سرمایه‌ی اجتماعی در رفاه خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه

جدول (۴) نتایج حاصل از برآورد چهار مدل شامل مدل بدون شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی، مدل دارای شاخص تجمعی سرمایه‌ی اجتماعی، مدل دارای شاخص متقاطع سرمایه‌ی اجتماعی، و مدل دارای دیگر شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی برای تعیین نقش سرمایه‌ی اجتماعی در رفاه خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه را نشان می‌دهد. قبل از تعیین نقش سرمایه‌ی اجتماعی، با توجه به برآورد این چهار مدل نقش سایر متغیرهای لحاظ شده در این مدل‌ها بر رفاه خانوارها به اجمال بازگو می‌شود. بر اساس اطلاعات این جدول، از میان

سرمایه‌های انسانی و فیزیکی، سرمایه‌ی فیزیکی عاملی موثر در بهبود رفاه خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه بوده و از میان متغیرهای بیان‌گر ویژگی‌های خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه، متغیر سابقه‌ی کشاورزی و نیز متغیر وضعیت فقر خانوارها دارای تاثیر معنی‌دار بر رفاه آنها است. بدین ترتیب که هر چه سابقه‌ی کشاورزی افزایش یابد، از رفاه خانوارها کاسته می‌شود. این موضوع بدان علت است که کشاورزان با سابقه، روش‌های سنتی تولید که نسبت به روش‌های نوین از بازده کم‌تر برخوردار است و بر اساس تجربه‌ی چندین ساله‌ی خویش و دانش بومی بدان دست یافته‌اند را در فعالیتهای کشاورزی مورد استفاده قرار می‌دهند و از روش‌های نوین پربازده که از ریسک بالاتری برخوردار است، پرهیز می‌نمایند. بنابراین با افزایش سابقه‌ی کشاورزی، بازده فعالیت‌ها و درآمد خانوار و در ادامه، رفاه آنان به طور نسبی کاهش می‌یابد. از طرف دیگر با توجه به ضریب متغیر وضعیت فقر، رابطه‌ی مستقیمی میان فقر خانوارها و رفاه آنان وجود دارد. به طوری که با فقیر شدن خانوارها، رفاه آنها کاهش می‌یابد. از نظر ویژگی‌های محیطی، نتایج مشابه با نتایج به‌دست آمده در مورد تاثیر موقعیت جغرافیایی استقرار خانوارها، بر کاهش فقر آنها است. بر اساس اطلاعات جدول (۴) نتایج حاصل از تاثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر رفاه خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه حاکی از آن است که ضریب‌های هیچ‌یک از شاخص‌های ترکیبی و انفرادی سرمایه‌ی اجتماعی در مدل‌های برآورد شده، از نظر آماری معنی‌دار نیست. بر این اساس، سرمایه‌ی اجتماعی در قالب هیچ‌یک از شاخص‌های مورد استفاده نتوانسته است تاثیر معنی‌داری بر رفاه خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه داشته باشد.

جدول (۴). عوامل موثر بر رفاه خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه

متغیر	مدل I	مدل II	مدل III	مدل IV
مقدار ثابت	۱۶/۲۱۹*** (۲۱/۲۵۱) ^(۱)	۱۶/۳۲۸*** (۲۶/۵۷۲)	۱۶/۲۵۰*** (۲۶/۷۶۰)	۱۶/۵۳۴*** (۲۱/۰۳۳)
شاخص تجمعی سرمایه اجتماعی	---	-۰/۰۰۱ (-۱/۰۳۰)	---	---
شاخص متقاطع سرمایه اجتماعی	---	---	-۰/۰۰۰ (-۰/۸۷۷)	---
شاخص تراکم عضویت	---	---	---	-۰/۰۴۰ (-۰/۳۸۸)
شاخص ناهمگنی	---	---	---	-۰/۰۰۰ (-۰/۱۶۹)
شاخص حضور در جلسات	---	---	---	-۰/۰۰۴ (-۱/۰۲۲)
شاخص تصمیم‌گیری	---	---	---	۰/۰۰۱ (۰/۴۰۴)
شاخص حق عضویت	---	---	---	-۰/۰۰۰ (-۰/۰۹۷)
شاخص گرایش اجتماعی	---	---	---	-۰/۰۰۰ (-۰/۱۲۶)
سرمایه‌ی انسانی	۰/۰۰۶ (۰/۴۳۶)	۰/۰۰۸ (۰/۶۲۱)	۰/۰۰۶ (۰/۵۱۱)	۰/۰۰۶ (۰/۳۹۸)
سرمایه‌ی فیزیکی	۰/۰۱۴** (۱/۹۶۲)	۰/۰۱۴** (۲/۳۰۰)	۰/۰۱۳** (۲/۰۹۷)	۰/۰۱۳ (۱/۸۰۶)
سن سرپرست	۰/۰۳۱ (۰/۷۵۷)	۰/۰۳۲ (۱/۰۹۳)	۰/۰۳۱ (۱/۰۶۱)	۰/۰۳۲ (۰/۷۸۷)
مربع سن سرپرست	-۰/۰۰۰ ^(۲) (-۰/۴۱۳)	-۰/۰۰۰ (-۰/۶۰۸)	-۰/۰۰۰ (-۰/۵۸۰)	-۰/۰۰۰ (-۰/۴۴۵)

ادامه جدول (۴)

متغیر	مدل I	مدل II	مدل III	مدل IV
سابقه‌ی کشاورزی سرپرست	-۰/۰۱۲*	-۰/۰۱۲**	-۰/۰۱۲**	-۰/۰۱۳*
	(-۱/۷۳۵)	(-۱/۹۶۳)	(-۲/۰۵۰)	(-۱/۷۷۵)
وضعیت تاهل سرپرست (متاهل=۱، سایر=۰)	۰/۰۲۴	۰/۰۰۹	۰/۰۲۱	۰/۰۰۷
	(۰/۰۷۹)	(۰/۰۳۷)	(۰/۰۸۴)	(۰/۰۲۳)
بعد خانوار	-۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲
	(-۰/۰۵۲)	(۰/۰۳۰)	(۰/۰۲۸)	(۰/۱۶۴)
وضعیت فقر خانوار (فقر بودن=۱، سایر=۰)	-۰/۹۴۹***	-۰/۹۵۱***	-۰/۹۵۶***	-۰/۹۵۴***
	(-۱۲/۲۳۴)	(-۱۲/۰۰۷)	(-۱۱/۹۹۳)	(-۱۱/۹۲۹)
آبراه اصلی	۰/۴۰۰***	۰/۳۸۰***	۰/۴۱۲***	۰/۴۰۳***
	(۲/۹۳۴)	(۲/۴۴۳)	(۲/۶۵۳)	(۲/۸۷۰)
آبراه سمت چپ	۰/۶۶۸***	۰/۶۵۴***	۰/۶۶۹***	۰/۶۶۰***
	(۲/۹۳۴)	(۳/۴۳۳)	(۳/۵۱۳)	(۲/۹۶۲)
ادامه آبراه سمت چپ	۰/۵۰۸***	۰/۴۸۷***	۰/۵۲۵***	۰/۴۹۰***
	(۲/۸۵۳)	(۲/۴۸۷)	(۲/۶۷۷)	(۲/۵۳۸)
آبراه هامون	۰/۳۹۷**	۰/۳۸۴***	۰/۴۱۱***	۰/۴۰۶***
	(۲/۳۵۳)	(۲/۳۷۹)	(۲/۵۳۳)	(۲/۴۷۱)
تعداد مشاهده‌ها	۱۰۷	۱۰۷	۱۰۷	۱۰۷
R ²	۰/۷۰۸	۰/۷۱۱	۰/۷۱۰	۰/۷۱۵
آماره‌ی F	۱۹/۰۰۵***	۱۷/۶۳۶***	۱۷/۵۵۹***	۱۲/۳۶۸***
آماره‌ی دوربین واتسون	۱/۹۴۷	۱/۹۶۴	۱/۹۶۳	۱/۹۹۹
شاخص وضعیت (Condition Index)	۲۸/۱۸۶	۲۸/۱۸۶	۲۸/۱۸۶	۲۸/۱۸۶

ماخذ: یافته‌های تحقیق.

***، ** و * به ترتیب معنی‌دار در سطح کم‌تر از ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪.

(۱): اعداد داخل پرانتز آماره‌ی F است.

(۲) همگی اعداد جدول تا سه رقم اعشار آورده شده است. به همین دلیل برخی از اعداد به صورت ۰/۰۰۰

درآمده است که از نظر مقداری با صفر متفاوت است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای

بدین ترتیب با توجه به نتایج این مطالعه، سرمایه‌ی اجتماعی موجود در مناطق روستایی واقع در محدوده‌ی شبکه‌ی آبیاری و زه‌کشی درودزن، دارای نقش بسیار کم‌رنگی در کاهش فقر خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه است، و از ایفای نقش موثر در بهبود رفاه این خانوارها ناتوان است. بر این اساس، بی‌توجهی به این موضوع در فرآیند واگذاری بخش دولتی و مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی، در قالب تشکلهای محلی با هدف بهبود وضعیت اقتصادی-اجتماعی جامعه، نه تنها بهبود وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانوارها را در پی نخواهد داشت بلکه، وضعیت فعلی رفاه خانوارها را دچار مخاطره نموده است و فقر آنان را تشدید خواهد نمود. بر این اساس، بازنگری ساختار سرمایه‌ی اجتماعی در مناطق روستایی به گونه‌ی که اثربخشی تشکلهای محلی در کاهش فقر و بهبود رفاه خانوارهای روستایی را تضمین نماید، ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

(۱) بهبود کیفی سرمایه‌ی اجتماعی در تشکلهای محلی موجود از طریق:

(الف) کاهش تاکید و تمرکز بر اصل خودگردانی مالی و توجه به منافع غیرمادی اعضا در تشکلهای محلی موجود برای بهبود شاخص حضور در جلسات (مشارکت عادی) و بهبود شاخص تصمیم‌گیری (مشارکت فعال).

(ب) تدوین فعالیت‌های تشکلهای موجود بر مبنای فعالیت‌های گروهی پربازده و شفاف‌سازی منافع هر یک از اعضا در این فعالیت‌ها. در این صورت اعضای تشکلهای، عضویت را عاملی برای افزایش منافع خویش می‌دانند و کمک‌های خویش به تشکلهای را برای رسیدن به منافع هر چه بیشتر، افزایش خواهند داد (بهبود شاخص حق عضویت).

(ج) تاکید بر دموکراسی و مراجعه به آرای عمومی اعضا و تلاش بر توسعه‌ی تشکلهای موجود بر اساس احساس نیاز برخاسته از بطن جامعه‌ی روستایی برای بهبود و تقویت شاخص گرایش اجتماعی.

۲) در صورت نیاز به افزایش کمی سرمایه‌ی اجتماعی در مناطق روستایی، هم‌زمان با افزایش تعداد تشکل‌های محلی (به عنوان نمونه، ایجاد تعاونی‌های آب‌بران در محدوده‌ی شبکه‌ی آبیاری و زه‌کشی درودزن) توجه به شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی در فرآیند تشکیل و تاسیس تشکل‌های محلی جدید، ضروری است. در این صورت می‌توان اثربخشی سرمایه‌ی اجتماعی را تضمین نمود و فرآیند واگذاری فعالیت‌ها به بخش غیردولتی را عاملی موثر در زمینه کاهش فقر و افزایش رفاه خانوارها دانست. بی‌توجهی به این موضوع صرفاً رشدبیش‌از اندازه‌ی تشکل‌های محلی را در پی دارد و نتایجی مشابه با ناتوانی تشکل‌های محلی موجود در اثربخشی در زمینه‌ی کاهش فقر و بهبود رفاه اعضا را سبب می‌گردد.

منابع

- احمدی فیروزجایی، ع.، صدیقی، ح. و محمدی، م. ع. (۱۳۸۶). مقایسه‌ی مولفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی کشاورزان عضو و غیرعضو تعاونی‌های تولید روستایی، فصل‌نامه‌ی رفاه اجتماعی، ۲۳: ۹۳-۱۱۱.
- باقری، ف.، حیدری، خ. و پیمان، س. ح. (۱۳۸۳). محاسبه‌ی خط فقر در ایران طی سال‌های ۸۲-۱۳۸۰، گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی، پژوهشکده‌ی آمار، تهران.
- حسینی، س. ا. ح.، علمی، ز. و شارع‌پور، م. (۱۳۸۷). رتبه‌بندی سرمایه‌ی اجتماعی در مراکز استان‌های کشور، فصل‌نامه‌ی رفاه اجتماعی، ۲۶: ۵۹-۸۴.
- خدادادکاشی، ف.، حیدری، خ. و باقری، ف. (۱۳۸۴). برآورد خط فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۶۳، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، ۱۷: ۱۶۰-۱۳۴.
- خلجی، ع.، راغفر، ح. و تیمور، م. (۱۳۸۶). الگوهای اندازه‌گیری مقیاس معادل خانوار و محاسبه‌ی آن در ایران، فصل‌نامه‌ی رفاه اجتماعی، ۲۴: ۱۹۱-۲۲۱.

رحمانی، ت.، عباسی نژاد، ح. و امیری، م. (۱۳۸۶). بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران، مطالعه موردی: استان‌های کشور با روش اقتصادسنجی فضایی، فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی، ۶: ۲۶-۱.

رنانی، م.، عمادزاده، م. و مویدفر، ر. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی: ارایه‌ی یک الگوی نظری، مجله‌ی پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، ۲۱: ۱۵۱-۱۳۳.

زاهدی مازندرانی، م. ج. (۱۳۸۴). فقر روستایی: روند و اندازه‌گیری آن در ایران (تبیین روش‌ها و نقد روی‌کردها)، فصل‌نامه‌ی رفاه اجتماعی، ۱۷: ۲۸۹-۲۳۶.

سعادت، ر. (۱۳۸۶). تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی استان‌ها، فصل‌نامه‌ی رفاه اجتماعی، ۲۳: ۱۹۵-۱۷۳.

سوری، ع. و مهرگان، ن. (۱۳۸۶). نقش سرمایه اجتماعی در تشکیل سرمایه انسانی، فصل‌نامه‌ی پژوهش‌نامه‌ی بازرگانی، ۴۲: ۲۱۹-۲۰۷.

علمی، ز.، شابع‌پور، م. و حسینی، س. ا. ح. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و چه‌گونگی تاثیر آن بر اقتصاد، مجله‌ی تحقیقات اقتصادی، ۷۱: ۲۹۶-۲۳۹.

فیتزپتریک، ت. (۱۳۸۱). نظریه‌ی رفاه، ترجمه‌ی هرمز همایون‌پور، انتشارات نشر گام نو، تهران.

نجفی، ب. و شیروانیان، ع. (۱۳۸۰). بررسی امکانات مشارکت کشاورزان و سازمان‌های محلی در مدیریت شبکه‌های آبیاری و زه‌کشی، فصل‌نامه‌ی اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۳۳: ۱۴۷-۱۱۹.

نجفی، ب. و شیروانیان، ع. (۱۳۸۵). بررسی موانع مشارکت آبران در مدیریت شبکه‌های آبیاری و زه‌کشی، فصل‌نامه‌ی روستا و توسعه، ۳: ۷۱-۵۳.

Anastasopoulos, P. C., Tarko, A.P. and Mannering, F.L. (2008). Tobit analysis of vehicle accident rates on interstate highways, *Accident Analysis and Prevention*, 40: 768-775.

Cote, S. and Healy, T. (2001). The well-being of nations: the role of human and social capital, Organization for Economic Co-operation and Development, Paris.

- DeMaris, A. (2004). Regression with social data: modeling continuous and limited response variables, Wiley, New York, USA.
- Foster, J., Greer, J. and Thorbecke, E. (1984). A class of decomposable poverty measures, *Econometrica*, 52: 761-766.
- Greene, W. H. (2008). Econometric analysis, 6th Edition, Prentice Hall, New Yourk, UAS.
- Grootaert, C. and Narayan, D. (2004). Local institutions, poverty and household welfare in Bolivia, *World Development*, 32: 1179–1198.
- Grootaert, C. and Van Bastelaert, T. (2002). Understanding and measuring social capital: a multidisciplinary tool for practitioners, The World Bank.
- Isham, J. and Kahkonen, S. (1999). What determines the effectiveness of community based water projects evidence from Central Java, Indonesia on demand responsiveness, service rules and social capital, Social Capital Initiative Working Paper No. 4, The IRIS Center.
- Kakwachi, I., Kennedy, B., Lochner, K. and Stith, D.P. (1997). Social capital, income inequality and mortality, *American Journal of Public Health*, 87: 1491-1498.
- Kalton. G. (1990). Introduction to survey sampling, Sage publication, Inc., USA.
- Knack, S. and Keefer, P. (1997). Does social capital have an economic pay-off: a cross country investment, *Quarterly Journal of Economic*, 112:1251-1288.
- Krishna, A., Uphoff, N. and Esman, M. (1997) Reasons for hope-instructive experience in rural development West Hartford, Conn. Kumarian Press.
- Mukherjee, S. and Benson, T. (2003). The determinants of poverty in Malawi, 1998, *World Development*, 31: 339-358.
- Okunmadewa, F. Y., Yusuf, S. A. and Omonona, B. T. (2007). Effects of social capital on rural poverty in Nigeria, *Pakistan Journal of Social Sciences*, 4: 331-339.
- Ried, C. and Salmen, L. (2002). Understanding social capital agricultural extension in Mali: trust and social cohesion, Social Capital Initiative Working Paper No. 22, The IRIS Center.
- Rose, R. (1995). Russia as an hour-glass society: a constitution without citizens, *East European Constitutional Review*, 4: 34–42.

Veall, M. R. and Zimmermann, K. F. (1996). Pseudo- R^2 for some common limited dependent variable models, *Journal of economic surveys*, 10: 241-259.

Wooldridge, J. M. (2009). *Introductory econometrics: a modern approach*, South-Western Cengage Learning, Mason, USA.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی